

Social and ethical challenges of coffeehouses in the Qajar era

Ebrahim Aslani^{*}, Abdolah Motevali^{}**

Mohammad Hassanbeigi^{*}, Masomeh Mosavi^{****}**

Abstract

In every society, according to human necessity and need, centers have been established for rest and leisure. In Iran, too, coffeehouses were built for this purpose from the Safavid era. This place became part of the urban fabric as a public place from then on. The nature of public space requires that people of different occupations and tastes come together in it. Gradually, the relationships between these people became stronger as a result of frequent visits, and they not only influenced each other's personalities and ways of thinking, but also influenced the course of cultural developments in society. Of course, the presence of desirable people had constructive effects and consequently the presence of undesirable people had adverse effects on the type of behavior and etiquette of the people. Considering that coffeehouses were part of the influential public places in the Qajar era, this paper intends to examine some of the negative functions of coffeehouses by relying on sources and using descriptive-analytical method. Therefore, the main question of the paper is as follows. What negative functions can be attributed to coffeehouses in the Qajar era? The research data shows that coffeehouses were popular and attractive among different social classes in the Qajar era. Therefore, along with their positive functions, they were also a place for various social crimes. Social conflicts, drunkenness, gambling, sodomy and addiction were among the most

* Assistance professor of history, Arak University, Arak, Iran, E_aslani.ebrahim@araku.ac.ir

** Associate professor of history, Arak University, Arak, Iran (Corresponding Author), a.motevaly@araku.ac.ir

*** Assistance professor of history, Arak University, Arak, Iran, mohaamad.beigi@gmail.com

**** M.A in history, Arak university, Arak, Iran, mohaamad.beigi@gmail.com

Date received: 2023/05/24, Date of acceptance: 2023/08/30



Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

important abnormalities that occurred in this place. In fact, the presence of undesirable people made coffeehouses a suitable place for all kinds of crimes and behaviors that challenged the moral rules of society.

Keywords: Coffeehouse, Theft, Conflict and Strife, Addiction, Moral corruption, Unemployment.

چالش‌های اجتماعی و اخلاقی قهوه‌خانه‌ها در دوران قاجار

ابراهیم اصلانی ملایری*

عبدالله متولی**، محمدحسن بیگی***، معصومه موسوی****

چکیده

در هر جامعه‌ای برحسب ضرورت و نیاز بشری مراکزی جهت استراحت و گذران اوقات تاسیس شده است. در ایران نیز از دوره صفویه قهوه‌خانه با این هدف بنا گردید. این مکان از این زمان به بعد به عنوان مکان عمومی جزء بافت شهری قرار گرفت ماهیت مکان عمومی اقتضا می‌کند. افرادی از مشاغل و سلیقه‌های گوناگون فکری در آن گرد هم آیند. کم‌کم روابط بین این افراد بر اثر رفت و آمدهای متعدد مستحکم می‌شد و این‌ها نه تنها بر خلیقات و نوع و فکر و اندیشه همدیگر، حتی بر روند تحولات فرهنگی جامعه نیز تاثیر می‌گذاشتند. البته حضور افراد مطلوب تاثیر سازنده و به تبع آن حضور افراد نامطلوب اثرات معکوسی بر نوع رفتار و آداب مردم داشت. با عنایت به این که قهوه‌خانه‌ها در دوره قاجاریه بخشی از اماکن عمومی تاثیرگذار محسوب می‌شدند، این نوشتار با تکیه بر منابع و بهره‌گیری از روش توصیفی - تحلیلی در نظر دارد برخی کارکردهای منفی قهوه‌خانه را مورد کند و کاو قرار دهد از این رو سوال اصلی نوشتار از این قرار است. چه کارکردهای منفی را برای قهوه‌خانه‌های دوره قاجار می‌توان بر شمرد؟ داده‌های تحقیق نشان می‌دهد که قهوه‌خانه‌ها به عنوان یک مکان عمومی در دوره قاجار مورد اقبال و توجه اقشار مختلف اجتماع قرار داشتند از این رو در کنار

* استادیار گروه تاریخ، دانشگاه اراک، اراک، ایران، E_aslani.ebrahim@araku.ac.ir

** دانشیار گروه تاریخ، دانشگاه اراک، اراک، ایران (نویسنده مسئول)، a.motevaly@araku.ac.ir

*** استادیار گروه تاریخ، دانشگاه اراک، اراک، ایران، mohaamad.beigi@gmail.com

**** کارشناسی ارشد تاریخ، دانشگاه اراک، اراک، ایران، mohaamad.beigi@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۳/۰۳، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۶/۰۸



کارکردهای مثبت خود محلی برای انواع بزه های اجتماعی نیز بودند. درگیرهای اجتماعی، بدمستی، قمار، الواطی و اعتیاد از مهمترین ناهنجاری هایی بود که در این مکان رخ می داد. درحقیقت وجود افراد نامطلوب قهوه‌خانه‌ها را مامن مناسبی برای بروز انواع خلاف‌ها و رفتارهای بزه‌کارانه مبدل می‌کرد که قواعد اخلاقی جامعه را به چالش می‌کشید.

کلیدواژه‌ها: قهوه‌خانه، سرقت، نزاع و درگیری، اعتیاد، فساد اخلاقی، بیکاری.

۱. مقدمه

از ابتدای تشکیل قهوه‌خانه‌ها از دوره صفویه تا دوره قاجار تغییر و تحولاتی در آن صورت گرفته است. این تحولات گاهی با اقبال عمومی مواجه شده و مردم را نسبت به این مکان خوش‌بین نمود و در مواردی نیز بروز سلسله عواملی سبب نارضایتی مردم از آن گردید. این مکان در ابتدا محل حضور دانشمندان و شعرا بود. با حضور آن‌ها و افراد آشنا به ادب نظیر نقالان و شاهنامه خوانان، افراد حاضر در این مکان از ادب و هنر آن‌ها بهره‌مند می‌شدند اما با گذشت زمان و با توجه به ویژگی مکان‌های عمومی کم کم افرادی از اقشار مختلف نظیر معتادین، بیکاره‌ها و مفسدان اخلاقی به آن رفت و آمد نمودند که با حضور آن‌ها اشخاص هنرمند و صاحب ادب از آن خارج شدند، به طوری‌که این مکان بیشتر محل حضور افراد غیرسازنده و نامطلوب شد و این مکان کم کم از حالت فرهنگی خارج شد و به محل تجمع الواط و اشرار مبدل گردید. (شهری، ۱۳۶۸: ۵۰۶/۴) ادامه این روند بر نوع نگرش مردم نسبت به قهوه‌خانه‌ها تغییراتی را پدید آورد و آن‌ها را به ادامه وجود چنین مکانی نگران نمود طوری که خواهان ایجاد تغییراتی در زمینه رفع فساد و ناامنی از این مکان شدند و حتی در مواردی خواستار تعطیلی کامل و همیشگی آن بودند.

نخستین قهوه‌خانه‌ها در ایران در دوره صفویان و به احتمال زیاد در زمان شاه‌تیماسب صفوی (۹۳۰-۹۸۴)، در شهر قزوین پدید آمد. بعدها در زمان شاه عباس اول (۹۹۶-۱۰۳۸) در شهر اصفهان بر تعداد آن‌ها افزوده شد. اما در دوره قاجار به خصوص در زمان ناصرالدین شاه بود، که زمینه‌های گسترش قهوه‌خانه در شهرهای بزرگ از جمله تهران فراهم گردید. در دوره صفویه قهوه‌خانه محلی برای صرف چای و قهوه و کشیدن قلیان بود اما بعد از سقوط سلسله صفویه و به دلیل بی‌ثباتی سیاسی که طبعاً بر کلیه مسائل زندگی اثر گذار بود قهوه‌خانه و قهوه‌خانه نشینی تعطیل گردید و فقط به طور محدود در بعضی جاها فعالیت داشتند. تا اینکه با تشکیل سلسله قاجاریه، قهوه‌خانه‌ها مجدداً رونق گرفتند. در این دوره این مراکز نه تنها محلی

برای نوشیدن چای و قهوه و کشیدن قلیان بودند بلکه شاهنامه خوانی، اسکندرنامه خوانی، شرح مولای متقیان، مداحی و نقالی نیز در آن رواج داشت (نجمی، ۱۳۷۵: ۴۹۳). در ایران از همان ابتدا قهوه‌خانه‌ها به صورت میعادگاه اهل فضل درآمد و همه روزه عده زیادی از نویسندگان، شعرا، هنرمندان، شاهزادگان و حتی مقامات کشوری و لشکری در آن مکان آمد و شد داشتند (حسن بیگی، ۱۳۷۷: ۲۹۵). علاوه بر آن قهوه‌خانه‌ها معمولا محلی برای رفع ناراحتی و آشتی بین طرفین دعوا بود (روزن، ۱۳۶۹: ۵۸). اما این مکان همچنین محل ملاقات آدمهای بیکار و تنبل بود، در این قبیل جاها، غذا، مشروب، تریاک و تنباکو مثل چای سهل الوصول بود و در اختیار همه قرار می‌گرفت (ویشارد، ۱۳۶۳: ۹۰). حتی بعضی از قهوه‌خانه‌های شهر تهران خصوصا میدان محمدیه پاتوق تبهکاران از جمله قمه کشان و قداره بندان شد که زبانزد و شهره شهر بودند (سیفی فمی تفرشی، ۱۳۶۷: ۴۱). بر این اساس می‌توان در کنار جنبه‌های متعدد فرهنگی - اجتماعی قهوه خانه، برخی کارکردهای نامناسب و ناهنجار را نیز برای قهوه‌خانه‌ها لحاظ نمود. پژوهش حاضر در نظر دارد با روش توصیفی - تحلیلی چشم اندازی از ابعاد ناهنجاری های قهوه خانه ها را بررسی و ارزیابی قرار داده و در عین حال پیامدهای آن را نیز ارایه نماید. از این رو سوال عمده نوشتار به این شکل قابل طرح می باشد که چه کارکردهای منفی را برای قهوه خانه های دوره قاجار می توان بر شمرد؟ گرچه تا کنون درخصوص برخی از ابعاد کارکردی قهوه خانه ها در عصر قاجار آثاری تحقیقی ارایه شده است از آن جمله می توان به کتاب احمد بلوکباشی تحت عنوان «قهوه خانه های ایران» اشاره نمود این کتاب به صورت کلی مسایل و ویژگی های عمومی قهوه خانه ها را مورد بررسی قرار داده است اما در خصوص ناهنجاری های مرتبط با قهوه خانه به صورت مستقل حاوی مطلبی نیست. کتاب دیگر در این خصوص توسط علی سیف تحت عنوان «نقاشی قهوه خانه» به رشته تحریر در آمده است. تمرکز اصلی این کتاب نیز بر نقاشی قهوه خانه و زندگی نقاشان قهوه خانه می باشد. علاوه بر کتاب می توان به مقاله توحید احدی تحت عنوان قهوه خانه آذری نیز اشاره نمود که محتوای آن بیشتر مسایل کلی قهوه خانه را پوشش داده است. به این ترتیب می توان گفت تاکنون تحقیق مستقلی در خصوص ابعاد ناهنجار قهوه خانه ها ارایه نشده است.

۲. نقش قهوه‌خانه‌ها در اشاعه ناهنجاری‌های فرهنگی

یکی از ابعاد مهم کارکردی قهوه‌خانه‌ها مباحث و مسایل متنوع فرهنگی آن بوده است. در کنار ابعاد مثبت و اثر گذار فرهنگی که برای قهوه‌خانه‌ها می‌توان برشمرد اما محیط این اماکن به دور از ناهنجاری‌های فرهنگی نبود که در ادامه به برخی از این موارد اشاره می‌شود.

۱.۲ ترویج عادات غلط در جامعه

قهوه‌خانه‌ها در دوره قاجار نقش مهمی در اجتماع، فرهنگ و سیاست ایران داشتند. برخی از آن‌ها مکانی برای گفتگو، شعرخوانی، نقاشی، تئاتر و انتقاد از حکومت بودند. برخی دیگر مروج بزه، تریاک، قمار و عیاشی می‌شدند. آثار منفی قهوه‌خانه‌ها می‌تواند شامل افزایش اعتیاد، فساد، بیکاری و ناآرامی باشد (دروویل، ۱۳۶۷: ۹۳-۹۴). منابع قدیمی درباره قهوه‌خانه‌ها در دوره قاجار بیشتر از نگاه تاریخی و اجتماعی به آن‌ها پرداخته‌اند. اما تحقیقات جدید برخی جنبه‌های دیگر را مورد بررسی قرار داده‌اند. در زیر به برخی از این جنبه‌ها پرداخته شده است.

۲.۲ تقویت پدیده اعتیاد

قهوه‌خانه‌ها در دوره قاجار در شهرها، روستاها و بین راه‌ها در ابعاد بزرگ و کوچک ساخته می‌شد. با وجود تفاوت‌های جزئی که در اشکال قهوه‌خانه‌ها وجود داشت با این حال این مکان در سراسر کشور در مواردی چون نحوه پذیرایی از مشتریان مشابه هم عمل می‌کردند. کارکنان معمولاً با چای، قهوه، قند، قلیان، تنباکو (آرشیو ملی ایران، ۱۱۶۴: ۷۲۴۰-۲۹۵؛ قوی نیل ۱۳۲۵: ۱) چپق، وافور (آرشیو ملی ایران، ۱۱۶۳: ۲۶۳۵-۲۴۰: ۲۰ جمادی الاول ۱۳۳۱: ۴). و تریاک (دالمانی، ۱۳۳۵: ۶۴۸) از مشتریان پذیرایی می‌کردند. وجود مشاغلی مانند آتش بیار، قلیان چاق کن و تریاک فروش ناظر بر این نکته می‌باشد که برای پذیرایی از مشتریان معتاد نیز وظایفی در قهوه‌خانه تعریف شده است (شهری، ۱۳۶۸: ۴۹۹/۴ - ۴۹۸). همانطور که اشاره شد برای استعمال تریاک در قهوه‌خانه‌ها از ابزارهایی نظیر قلیان، چپق و وافور استفاده می‌شد. دالمانی از جهانگردان عصر قاجار، در مورد استعمال وافور در قهوه‌خانه‌ها نوشته است:

چالش‌های اجتماعی و اخلاقی ... (ابراهیم اصلانی ملایری و دیگران) ۳۱

در تمام شهرها و دهکده‌های ایران قهوه‌خانه‌هایی است که مردم به کشیدن تریاک مشغولند و از وسیله‌ای به نام وافور برای استعمال آن استفاده می‌کنند که دسته آن بیست و پنج الی سی سانتی‌متر طول دارد و در سر آن حقه‌ایست که از گل یا کاشی و یا چینی ساخته شده است و سوراخی دارد که تریاک را در پهلوی آن می‌چسبانند و با انبر ذغال گذاخته‌ای را به آن نزدیک می‌کنند تا تریاک سوخته شود و دود آن را به گلو فرو برند (دالمانی، ۱۳۳۵: ۹۰).

اولیویه نیز یکی از جهانگردانی است که در زمان پادشاهی آقا محمدخان به ایران سفر کرده بود. او در مورد استعمال تریاک و مخدرهای دیگر نوشته است:

بسیاری از قهوه‌خانه‌ها که امروزه در اصفهان دیده می‌شود، چیزی غیر از ساقه تریاک و شربت خشخاش و شربت‌هایی که از برگ شاهدانج می‌سازند، به حاضرین نمی‌دهند. هنگامی که در ایران بودیم آقا محمد شاه هر کسی که شربت برگ شاهدانج می‌خورد یا می‌فروخت مجازات می‌کرد (اولیویه، ۱۳۷۱: ۱۶۳).

درواقع قهوه‌خانه‌ها در تمام نقاط ایران پی در پی جای و به طور متوالی قلیان در اختیار مشتری قرار می‌دادند (مجد الاسلام کرمانی، بی تا: ۱۳۵). براساس این نوشته‌ها دردسترس بودن انواع مخدرها در قهوه‌خانه‌ها و همچنین وجود مشاغلی جهت عرضه آن به مشتریان نشان‌دهنده این است که منبع درآمد قهوه‌خانه‌ها غالباً از فروش و عرضه مخدرها تامین می‌شد. این امر و البته حضور افراد معتاد در قهوه‌خانه‌ها و پذیرایی از آنان با انواع مواد مخدر نظیر تریاک، توتون، تنباکو و حشیش سبب می‌شد حتی آن دسته از مشتریان نیز که آلوده به مواد مخدر نبودند بر اثر هم‌نشینی با اشخاص معتاد، به استعمال مواد مخدر متمایل گردند و در نتیجه آن‌ها نیز گرفتار عوارض ناخواسته اعتیاد می‌شدند. (ادوارد بیت، ۱۳۶۵: ۶۲) به نظر می‌رسد مصرف مواد مخدر در سیر کلی دوره قاجار روند رو به افزایشی داشته و تنها موارد محدودی از برخورد عناصر حکومتی با آن گزارش شده است. (سپهر، ۱۳۸۶: ۲۸۴/۱) پس از شکل‌گیری انقلاب مشروطیت ظاهراً تغییرات و محدودیت‌هایی در سطح جامعه و قهوه‌خانه‌ها برای مصرف تریاک لحاظ گردید از آن جمله دولت تریاک را در انحصار خود قرار داد و مالیاتی تحت عنوان تحدید تریاک اخذ می‌کرد. (آرشیو اسناد ملی، ۱۱۶۲، ۱۱۱۰ - ۲۴۰) انحصار تریاک یکی از منابع دولت به حساب می‌آمد مهدی الحسینی وکیل مجلس شورای ملی که در دوره اول به نمایندگی صنف قهوه‌چی، در مجلس عضویت داشت در دور سوم مجلس و به احتمال در سال ۱۳۳۳ قمری طرحی را در خصوص اجرای مالیات تریاک به دولت پیشنهاد می‌کند و برای

هر مثقال شیره یا سوخته تریاک مقداری معین مالیات تعیین می‌کند و اعلام می‌دارد مصرف‌کنندگان یا این مقدار مالیات را باید بپردازند یا در غیر این صورت حبس، شکنجه و جریمه خواهند شد. از نظر او این مالیات جدید علاوه بر اینکه درآمد دیگری برای دولت ایجاد می‌کرد. فروش تریاک را از دست دیگران خارج می‌کرده و مانع از سوءاستفاده فروشندگان دیگر می‌شد (افشار، ۱۳۸۰: ۲/۴۷۳، ۴۷۱). علاوه بر آن بنا به پیشنهاد اداره صحنه بلدی در منع وافور هیئتی تحت نظارت اداره مالیات غیر مستقیم، حکومت نظامی و اداره صحنه بلدی در اداره تحدید تشکیل شد و پس از مذاکرات زیاد به این نتیجه رسیدند که کشیدن وافور در قهوه‌خانه‌ها به طور علنی ممنوع شود و فقط چند قهوه‌خانه برای استفاده از آن مجاز شمرده شدند (فراهانی، ۱۳۸۵: ۲/۳۷۷). براساس این قانون، در صورتیکه در قهوه‌خانه‌ها به کشیدن مواد مخدر یا قاچاق آن مبادرت می‌شد؛ ماموران حکومتی موظف بودند؛ عوامل این امر را مجازات نمایند. به عنوان مثال در گزارش سندی که به تاریخ ۱۳ رجب ۱۳۳۴ نگاشته شده است، قهوه‌چیان شهر زنجان که غالباً توپچی و سرباز بودند به قاچاق سوخته تریاک مبادرت می‌نمودند و اداره مالیه خمس را بابت این امر به زحمت می‌انداختند. این اداره از وزارت مالیه درخواست می‌نماید ماشین سرب ریزی برای آنان بفرستند یا حداقل اعتبار لازم را در اختیار آنان بگذارند تا خودشان لوازم آن را تهیه نمایند که برای جلوگیری از قاچاق، وافورهای تمام قهوه‌خانه‌های شهر را سرب نمایند. (آرشیو ملی ایران، ۱۱۶۲: ۱۱۱۰-۲۴۰؛ ۲۳ رجب ۱۳۳۴: ۱).

در یک مورد دیگر، اداره نظمیة دستور بستن قهوه‌خانه‌ای را به دلیل استعمال مواد مخدر صادر می‌کند. قضیه از این قرار بود که در قهوه‌خانه‌ای واقع در محله عرب‌ها عده‌ای مرد و زن شیره تریاک می‌کشیدند و اسباب شکایت اهالی محله را فراهم می‌آوردند که در نهایت بر اثر شکایت مکرر اهالی محله و گزارشات کمیساریای ناحیه بازار، اداره نظمیة دستور بستن قهوه‌خانه را صادر می‌کند (آرشیو ملی ایران، ۱۱۶۳: ۲۵۰۳۷-۲۴۰؛ ۲۰ ذی قعدة ۱۳۳۲: ۶). البته ممنوعیت و یا محدودیت‌هایی که برای مصرف مواد مخدر در قهوه‌خانه‌ها لحاظ می‌شد اعتراض و عکس‌العمل صاحبان این اماکن را به دلیل کاهش درآمدها به همراه داشت. از آن جمله در روزنامه انجمن اصفهان می‌نویسد:

حضرات قهوه‌چی به انجمن آمده، عریضه‌ای درباب قدغن شدن وافور دادند حال که وافور در قهوه‌خانه قدغن شده است. خوب است امر شود مالکین قهوه‌خانه تخفیف در

اجاره بدهند یا قدغن شکسته شود. جواب گفتند اختیار ملک با مالک است به تکلیف خود نگاه کنید. (انجمن اصفهان، ۱۳۲۷ق : ۱).

در واقع در این نوشته اشاره شده است از آنجا که منبع درآمد اصلی قهوه‌خانه‌ها از عرضه مواد مخدر و وافور و قلیان تامین می‌شده، و ممنوع شدن مصرف این مواد به منبع درآمد قهوه‌خانه‌ها آسیب وارد کرده، بنابراین قهوه‌چی‌ها برای جبران این ضایعه، خواستار این بودند که صاحبان قهوه‌خانه‌ها از آن‌ها اجاره بهای کمتری بگیرند.

۳.۲ تجمع افراد بیکار در قهوه‌خانه

بر اساس برخی داده‌های تاریخی قهوه‌خانه‌ها در موارد متعددی به محل تجمع افراد بیکاره مبدل می‌شد کسانی که به هر شکل ممکن یا شغل خاصی نداشتند و یا این که بی توجه به کار و امور زندگی ترجیح می‌دادند اوقات زیادی را در قهوه‌خانه به گفتگوهای بی معنی و سخنان بی ثمر سپری نمایند. عین السلطنه در همین زمینه می‌نویسد: "معمولا قهوه‌خانه‌های تهران در عصر قاجار اکثرا کثیف بودند که مردم بیکار متصل در آنجا چای می‌خوردند و بواسطه سوالات بی معنی عمه و بنا را از کار باز می‌داشتند" (عین السلطنه، ۱۳۷۴ : ۳ / ۲۵۴۶). تجمع بیش از حد این افراد در قهوه‌خانه‌ها و گریز از مسولیت‌های خانوادگی و اجتماعی به گونه‌ای بود که در مواردی باعث شکوه و اعتراض خانواده‌هایشان در نزد ناصرالدین شاه شد.

عده‌ای از زنان تهران با حالت آه و ناراحتی نزد شاه شکایت کردند که قهوه‌خانه‌ها باعث شده شوهرانشان از کار و شغل منحرف شوند و آن‌ها را به بیکاری و کشیدن قلیان عادت داده است. ناصرالدین شاه با شنیدن این عریضه، دستور تعطیلی تمام قهوه‌خانه‌های تهران و سایر مناطق ایران را صادر کرد. (ویلس، ۱۳۶۳ : ۳۸۲-۳۸۳). در دوره قاجار معمولا هرکس که می‌خواست چایی بنوشد و با دیگران گفتگویی داشته باشد به قهوه‌خانه می‌رفت گاهی اوقات این رویه زندگی ممکن بود به نوع شغل افراد و پیشرفت کار آنان لطمه بزند. در این خصوص نوشته‌ای از خاطرات حاج محمد تقی جورابچی قابل اشاره است. او فردی تاجر پیشه بود و گاهی برای پیشبرد فعالیت تجاری اعضای جوانتر خانواده خود سرمایه اولیه‌ای در اختیار آنان قرار می‌داد. او نوشته است که از دلایل شکست تجاری یکی از بستگانش در امر تجارت این بود که او یعنی (خویشاوند جوان جورابچی) بسیاری از اوقات به قهوه‌خانه می‌رفت و وقت خود را به نوشیدن چای و صحبت با درویش تلف می‌کرد در واقع این امر مانع داد و ستد او می‌شد و هر قدر او را نصیحت می‌کردند فایده نداشت تا این که در امر تجارت

شکست خورد (جورابچی، ۱۳۸۶: ۲۵-۲۶). در این نوشته ذکر شده است که علت ورشکستگی عضو جوان خانواده در امر تجارت حضور پی در پی اش در قهوه‌خانه‌ها و همنشینی با درویش بوده است. در واقع او در قهوه‌خانه وقت خود را با صحبت کردن به بطالت می‌گذراند.

با توجه با اسناد و نوشته‌هایی که از خاطرات، سفرنامه‌ها و روزنامه‌ها بدست می‌آید ظاهراً بعد از انقلاب مشروطه مردم نسبت به قهوه‌خانه‌ها نظر مساعدی نداشتند و آنجا را محل تنبلی‌ها و بیکاره‌ها می‌دانستند. در سندی نوشته شده است، کلیه قهوه‌خانه‌های ایران به غیر از تنبلی، کسالت، بیکاری و بیعاری عموم، اسباب همه‌گونه مفسد از قبیل دزدی، قمار بازی و وافورکشی است به غیر از صرف چای و قند فایده دیگری ندارد، بهتر است موقوف شود. (آرشیو ملی ایران، ۱۱۶۴: ۵۱۷۷-۲۹۳؛ بدون تاریخ: ۱).

البته برای جلوگیری از تجمع اینگونه افراد در قهوه‌خانه تدابیری از سوی سران حکومتی قاجار اتخاذ گردید. برای این منظور بعد از انقلاب مشروطه اعضای انجمن‌های ایالتی قرائت‌خانه‌هایی را در سطح کشور تاسیس کردند. این قرائتخانه‌ها جهت مطالعه کتاب و روزنامه‌جات بود. افراد بعد از خرید بلیط به این مکان می‌رفتند و به مطالعه کتب و روزنامه‌جات می‌پرداختند. اعضای انجمن ایالتی خراسان نیز قرائتخانه‌هایی را تاسیس کردند. آن‌ها هدفشان را از تاسیس قرائتخانه اینگونه اعلام کردند به این طریق قصد دارند سطح آگاهی عمومی را افزایش دهند تا افراد از بیکاری به قهوه‌خانه نروند و عمر خود را تلف نکنند (روزنامه خورشید، عریب الثانی ۱۳۲۵: ۲).

۳. ترویج اخلاقیات منفی

۱.۳ عرضه مشروبات الکلی

علاوه بر مصرف مواد مخدر در قهوه‌خانه‌ها ظاهراً مشروبات الکلی نیز مورد استفاده قرار می‌گرفت. در خصوص استفاده از مشروبات الکلی در قهوه‌خانه‌های ایران عصر قاجار گزارش‌های متعددی وجود دارد. به عنوان مثال؛ در قهوه‌خانه شخصی به نام میرزا محمود خان مترجم بانک، که مالک قهوه‌خانه بود، روزی در قهوه‌خانه‌اش، آدم‌های اجزای ایالتی بدمستی و هرزگی کردند. مامورین ایالتی نیز محمود خان را گرفتند که تو چرا قهوه‌خانه ساخته‌ای که هرکس به آنجا برود و هرزگی نماید. جهت تنبیه او قهوه‌خانه‌اش را بستند و بعد از آن حکم شد که شیره‌چی‌های یهودی حق ندارند مشروبات الکلی مصرف کنند و بفروشند

چالش‌های اجتماعی و اخلاقی ... (ابراهیم اصلانی ملایری و دیگران) ۳۵

(سعیدی سیرجانی، ۱۳۸۳: ۷۱۴). در واقع معمولاً در قهوه‌خانه‌ها الی و اشرار مشروبات الکلی مصرف می‌کردند و بعد از آن بد مستی کرده و به جان هم می‌افتادند که در نهایت کارشان به زد و خورد می‌کشید (همان: ۲۲۵) گاهی اوقات خوانین حکومتی برای پیشبرد اهدافشان از الی و اشرار که در قهوه‌خانه‌ها پاتوق داشتند برای ایجاد آشوب و ناامنی استفاده می‌کردند. عین السلطنه در این‌باره می‌نویسد

در زمان ناصرالدین شاه در شهر همدان به علت سرما و آفت، گندم دچار نقصان شده بود. ضیاءالملک و مهدی خان که به ترتیب داماد و پسر صارم الدوله از خوانین اطراف همدان بودند چند نفر سرباز و الی خود را مسلح به شهر می‌فرستند و به دهات اطراف اجبار می‌کنند که گندم به شهر نیاوردند و در کوچه و بازار بنای هرزگی و عربده را می‌گذارند و شهر را ناامن کرده و یک نفر فراش را زخم می‌زنند به ناچار فراشان حکومتی را برای دستگیری آنان به قهوه‌خانه‌ای که در آنجا اقامت داشتند، می‌فرستند. اما آن‌ها یکی از فراشان حکومتی را به شدت مجروح می‌کنند و از قهوه‌خانه بیرون می‌آیند و به سمت دهات خود می‌روند (عین السلطنه، ۱۳۷۴: ۱ / ۳۹۱).

او در قسمت دیگر کتابش اشاره دارد: "یک شخص قاطرچی به نام حسن قراب در میان قهوه‌خانه توسط سربازان ملایری کشته شده است" (همان: ۶۹۴). براساس این نوشته‌ها، الی و اشرار در قهوه‌خانه‌ها حتی به آدمکشی نیز اقدام می‌کردند. در هر صورت این وضعیت از وخامت اوضاع امنیتی قهوه‌خانه‌ها حکایت داشت.

مصرف مشروبات الکلی در قهوه‌خانه‌ها علاوه بر اینکه مصرف کننده را دچار انحراف اخلاقی می‌نمود برای خانواده او نیز تبعات منفی داشت. فرد مصرف کننده نسبت به خانواده خود احساس مسئولیت نمی‌کرد و افراد خانواده را به حال خود رها می‌کرد. بدین ترتیب بنیان خانواده از هم می‌پاشید و در این بین زنان و کودکان بیشترین آسیب را متحمل می‌شدند. منشا بیشتر این آسیب اجتماعی قهوه‌خانه‌ها بودند. در این زمینه کلود آنه به مشقت‌های دردناک یک زن روستایی از اهالی خراسان اشاره کرده و نوشته که شوهر این زن، غالب وقت خود را در قهوه‌خانه‌های قوچان به عرق خوردن و تریاک کشیدن مشغول بوده است. درحالی‌که زن دائماً در مزارع کار می‌کرد. این سرنوشت غالب زنانی بود که بر اثر استعمال مواد مخدر و مشروبات الکلی توسط همسرانشان در قهوه‌خانه‌ها صورت می‌گرفت (کلود آنه، ۱۳۶۸: ۱۵۳).
چالش‌های اجتماعی از این دست سبب واکنش‌هایی در مقابل فعالیت قهوه‌خانه‌ها شد. طوری که که بسیاری از جمله جراید، تجار، طلبه‌ها و روسای اصناف خواهان تعطیلی

همیشگی قهوه‌خانه‌ها گردیدند. روزنامه روح القدس در یکی از شماره‌های خود نوشت: «دیگر به اتفاق جمعی از وطن پرستان خوردن چایی موقوف و قهوه‌خانه‌ها هم که مواد هزاران مفسده و راس المله خرابی مملکت و زاینده الواط و اراذل و اوباش است بسته گردید» (روح القدس، ۱۸ ربیع الثانی ۱۳۲۶، شماره ۲۶: ۲).

فساد اخلاق در قهوه‌خانه‌های دوره قاجار نه تنها سبب واکنش مردم بلکه در مواردی دستگاه حکومتی نسبت به این مکان می‌شود. به طوریکه بعد از انقلاب مشروطه بارها عده‌ای از کسبه و اصناف به محل انجمن ارض معدلت (مقدس) که انجمن مرکزی خراسان بود، جهت شکایت به این مکان می‌روند و از اعضای انجمن تعطیلی قهوه‌خانه‌ها را درخواست می‌کنند. حتی بعضی از روسای اصناف و طلاب مدارس اعتراض می‌کنند در صورتیکه به خواست آنان توجه نشود خودشان قهوه‌خانه‌ها را می‌بندند (خورشید، ۱۴ ربیع الثانی ۱۳۲۵ق: ۴). انجمن نیز بعد از هماهنگی با مجلس شورای ملی، دستور تعطیلی قهوه‌خانه‌ها را صادر می‌کند. بعد از این واقعه حدود ۵۰ نفر از کسبه و اصناف به انجمن رفتند و از باب بسته شدن قهوه‌خانه‌ها تشکر کردند. آن‌ها گفتند دیگر باب شرارت و فساد بسته شد و بدین ترتیب فسق و فجور و فساد اخلاق از میان مردم کم می‌شود. چون منشا این امور قهوه‌خانه‌ها بودند. و تهدید کردند چنانچه قهوه‌خانه‌ها مجدداً در سکوی بازار و درب کاروانسرا باز شود، تمام مغازه‌ها را خواهند بست. البته انجمن نیز خاطر نشان کرد که تمام قهوه‌خانه‌ها بسته خواهد شد و چند نفر از اعضای انجمن در شهر گردش می‌کنند و چنانچه دکان قهوه‌چی باز باشد، اسم او را نوشته، به تکلیفش رسیدگی خواهد شد (خورشید، ۲۳ ربیع الثانی ۱۳۲۵، شماره ۱۳: ۱).

البته برای مبارزه و کنترل افراد شرور در قهوه‌خانه مقرراتی در دوره ناصرالدین شاه تنظیم گردید. کنت دومونت به عنوان مستشار و پلیس شهر تهران، در این مورد قوانینی طراحی کرد. بعد از اینکه پای مشروبات الکلی به قهوه‌خانه‌ها باز شد. مشتریان مشروب خوار قهوه‌خانه آزادانه و در ملا عام به مشروب خواری می‌پرداختند غالباً بر اثر افراط یکی از مشتریان در مشروب خواری، بر سر مسئله کوچکی در قهوه‌خانه‌ها باهم به زد خورد می‌پرداختند و نظم محله‌ای به هم می‌ریختند. (حسن بیگی، ۱۳۷۷: ۳۰۴-۳۰۵) دامنه این مزاحمت‌ها تا به جایی گسترش یافت که در سال ۱۲۹۵ قمری (۱۸۷۹م) هنگامی که کنت دومونت به عنوان مستشار پلیس وارد خدمت دولت شد و طرحی با هیجده فصل برای حفظ نظم تهران تهیه کرد که فصل چهارم آن از این قرار بود:

چالش‌های اجتماعی و اخلاقی ... (ابراهیم اصلانی ملایری و دیگران) ۳۷

قهوه‌خانه‌های حالیه شهر جز اتلاف مال و اضرار صحت عامه نتیجه ندارد در این صورت متروک بودن آن اولی و در صورتی که اولیای دولت قاهره تصویب در دایر بودن فرمایند باید در هر محله قهوه‌خانه‌ای دایر نمایند که مشتمل باشد بر قهوه‌خانه، مهمانخانه، کتابخانه و قراولخانه کوچکی که یک عده سرباز و کشیکچی داشته باشد. به علاوه از اداره نظمیه به هریک از این ابنیه تلفن کشیده شود که در موقع ضروریه، اداره جلیله بتواند اطلاعات لازمه را کسب نماید (حسن بیگی، ۱۳۷۷: ۳۰۵-۳۰۴).

هم‌چنین به دفترچه قانونی که بعدها توسط "کنت دومونت فرت" تدوین شد. ماده ۳۴ اختصاص به تامین امنیت قهوه‌خانه‌ها داشت و ذیل آن آمده بود:

کسی که اسباب نزاع در قهوه‌خانه بشود یا خودش منازعه نماید از چهل و هشت ساعت الی یک ماه حبس خواهد شد، از یک تومان الی ده تومان جریمه گرفته می‌شود و اگر صاحب دکان هم در موقع منازعه فوراً به عمله پلیس اطلاع ندهد و منازعه را ابقا و امتداد دهد، او نیز شریک جریمه و حبس خواهد بود و در مدت او قهوه‌خانه بسته خواهد شد (همان).

۲.۳ فسادهای جنسی

همان‌طور که در آسیب شناسی قهوه‌خانه اشاره شد ساختار این مکان به گونه‌ای بود که سبب اشاعه پدیده اعتیاد در جامعه می‌شد. ویژگی مکان پرتجمعی مانند قهوه‌خانه این بود که افراد با سلیقه‌های متفاوت اخلاقی در آن گرد می‌آیند و در این شرایط از نظر اجتماعی امنیت، ثبات و موازین اخلاقی جامعه در خطر قرار می‌گیرد و محل مناسبی برای بروز انواع آسیب‌های اجتماعی می‌گردد در واقع حضور افراد نابهنجار عامل موثر برای تقویت رفتار نابهنجار در قهوه‌خانه و به تبع آن در جامعه می‌شد.

برای تریاکی‌ها، حشیشی‌ها، ولگردها و بیکاره‌ها قهوه‌خانه بهترین مکان بود زیرا وسایل مورد نیازشان را فراهم می‌آورد. همچنین در قهوه‌خانه اشخاص مختلفی نظیر قمار بازها، دزدان، بدکاره‌ها مانند بچه بازها، خانم‌بازها، عرق‌خورها، چاقوکش‌ها، قاقاقچی‌ها و دیگر افراد بزهکار رفت‌وآمد داشتند. (شهری، ۱۳۶۸: ۵۰/۴). افراد لاابالی که به قهوه‌خانه می‌آمدند برای رسیدن به لذت، خود را با انواع مخدرها و انحرافات جنسی سرگرم می‌کردند. حضور این افراد سبب اشاعه مفاسد اخلاقی در جامعه می‌شد. یکی از مفاسد اخلاقی ناپسند که در جامعه عصر قاجار رواج داشت، بچه بازی بود که در بعضی از قهوه‌خانه‌های عصر قاجاری چنین اشخاصی به این

مفسده می پرداختند. ابتدا به پیشینه این نوع گناه در قهوه‌خانه‌های عصر صفوی و سپس به واکنش مردم نسبت به آن در عصر قاجار اشاره خواهد شد.

صاحبان بعضی از قهوه‌خانه‌ها برای اینکه بتوانند در آمد بیشتری بدست آورند تلاش می کردند از راه‌های مختلف مشتریان زیادی را به قهوه‌خانه بکشانند. آن‌ها برای رسیدن به این مقصود حتی از شیوه‌های غیر اخلاقی نیز رویگردان نبودند. استخدام نوجوانان زیبارو و سوء استفاده از آن‌ها برای جلب نظر مشتریان از جمله اقدامات ناپسند صاحبان بعضی قهوه‌خانه‌ها به شمار می‌رود این نوجوانان همانند زنان موهای خود را بلند می‌کردند لباس‌های بدن نما پوشیده و رقص‌های شهوت انگیز می‌نمودند و طوری نظر افراد ناپاک را به خود جلب می‌کردند که توسط همین افراد مورد سوء استفاده جنسی قرار می‌گرفتند. در این مورد شاردن که در دوره صفویه به ایران آمده بود و از نزدیک قهوه‌خانه‌ها را در ایران مشاهده کرده بود این چنین می‌نویسد:

در زمان‌های گذشته قهوه‌خانه‌ها از مراکز فساد بود زیرا خدمتگزاران آن‌ها جمله بچه‌های ده تاشانزده ساله تازه رو و زیباروی گرجی بودند که موهای خود را همانند گیسوهای دختران جوان می‌بافتند و برای جلب توجه بیشتر و تحریک آن‌ها شلوار تنگ و بدن‌نما می‌پوشیدند. آن‌ها ضمن کار می‌رقصیدند و با اطوار تحریک انگیز خود حکایت‌های شهوت بار می‌گفتند و چنان عقل و هوش بعضی مشتریان را می‌ربودند که بی اختیار از جا بر می‌خاستند و هر کدام دست یکی از آن بچه‌های زیبا و کامبخش را می‌گرفت و به خلوتگاهی می‌برد به عبارت دیگر قهوه‌خانه‌ها در آن زمان جایگاه بچه خوشگل‌ها و اهل حال بود و هر قهوه‌خانه که بچه خوشگل زیباتر و بیشتر داشت مشتری‌هایش فراوان‌تر بودند. (شاردن، ۱۳۷۲: ۲/۸۴۴).

اولیویه نیز در اوایل دوره قاجار به ایران سفر کرده بود؛ در این باره چنین می‌نویسد:

در گذشته قهوه‌خانه‌های اصفهان محل بسیار وسیعی بود که گنبدی بزرگ و ستون‌های منقش و سقف‌های مزین داشت که در آن پسران بسیار خوشگل همانند دختران لباس پوشیده و خدمت می‌کردند امروزه از این قهوه‌خانه‌ها نشانی باقی نمانده و جایی که با این نشان باشد مردم بسیار کم تردد کنند شده و لذا متروک گردیده است (اولیویه، ۱۳۷۱: ۱۶۳).

با توجه به مطالب بالا به نظر می‌رسد قهوه‌خانه‌ها یکی از اماکن اشاعه این نوع مفسده بود، چراکه قهوه‌چی (صاحب قهوه‌خانه) این نوجوانان را استخدام می‌کرد و آن‌ها را برای

عشوه‌گری و طنزآموزش می‌داد. در واقع افتادن مالکیت قهوه‌خانه‌ها بدست افراد ناپاک، از عوامل مهم برای جلب افراد شرور به قهوه‌خانه بود. در این مورد شاردن در سفرنامه‌اش اشاراتی نموده که از این قرار است: "قهوه‌چی به پرورش پسران نارس و آموختن رقص و طنز و دیگر فنون بزم آرای می‌پرداخت" (شاردن، ۱۳۷۲: ۱۵۰۰/۴). نوجوانان در این قهوه‌خانه مورد سوءاستفاده جنسی قرار می‌گرفتند و این رسم بد از عثمانی به ایران عصر صفوی سرایت کرده بود (همان: ۱۵۰۲).

بعد از دوره صفویه مفاصد اخلاقی در قهوه‌خانه‌ها کمتر شد ولی به طور کامل از بین نرفت. چراکه با توجه به گزارش سفرنامه‌ها، روزنامه‌ها و کتب عصر قاجار این برداشت، به دست می‌دهد این نوع مفسده همچنان در بعضی از قهوه‌خانه‌های دوره قاجار وجود داشت. در کتاب روزنامه خاطرات عین السلطنه نوشته شده است:

در قهوه‌خانه چهار راه اسماعیل بزاز بر سر مصطفی نام که بچه خوشگلی بود نزاع می‌شود رضا نام شکم دو نفری نام‌های حیدر و حسین را و یک نفر دیگر نیز شکم برادر حیدر را پاره می‌کند، همشیره دو مقتول خودش را توی آب انبار انداخته خفه می‌کند (عین السلطنه، ۱۳۷۴: ۶۴۸۵/۸).

در این نوشته به وجود این نوع مفسده و تبعات منفی آن یعنی نزاع و قتل اشاره شده است. بنجامین از سفرنامه نویسان دوره قاجار در این خصوص چنین می‌نویسد:

در تهران قهوه‌خانه‌ها از حیث استراحت و وضع همگی شبیه یکدیگرند، در قهوه‌خانه‌ها رقص‌های مردانه نیز دیده می‌شود قانون این است که رقص مردانه باشد این رقصان از کودکی، رقصی را تعلیم می‌بینند موی سر خود را مانند زنان بلند کرده، و صورت خود را صاف می‌تراشند و رقص‌های شهوت‌انگیز می‌کنند (بنجامین، ۱۳۶۳: ۱۴۶-۱۴۷).

همچنین در روزنامه نسیم شمال به وجود این نوع مفسده و رقص مردان در قهوه‌خانه‌های خیابان لاله زار اشاراتی شده است (نسیم شمال، شعبان ۱۳۳۴ ق: ۳)

انحرافات جنسی، نظیر بچه بازی در محدوده کجروی جنسی قرار دارند. دلایل متعددی برای انحرافات جنسی وجود دارد. البته شرایط اجتماعی، اقتصادی و سیاسی یک جامعه نیز در بروز این انحرافات نقش به‌سزایی دارند. همچنین تعلق خود فرد به گروه‌های اجتماعی نیز در انحراف فرد موثر است. همانطور که از گزارشات و اسناد بر می‌آید جامعه ایران عصر قاجار از منظر سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در وضع نامطلوبی بود. وضعیت اقتصادی جامعه خوب نبود

و گرسنگی و فقر همه جا بیداد می‌کرد و البته فقر خود زمینه بروز فساد را فراهم می‌آورد. هم‌چنین چون دولت از سیاست تمرکزگرایی صحیحی برخوردار نبود قادر به تامین امنیت مردم نبود، بنابراین افراد شرور و لابلای به راحتی در سطح شهر مردم عادی را مورد آزار و اذیت قرار می‌دادند معمولاً نهادهای دولتی قادر به جلوگیری از این افراد نبودند. به طور کلی فقر اقتصادی، بیکاری و نبود امنیت زمینه‌ای آسانتری را برای شیوع فحشا و فساد در جامعه فراهم می‌کرد این افراد شرور و بعضاً منحرف جنسی به قهوه‌خانه‌ها نیز تردد داشتند و گاهی بر اثر افراط در نوشیدن مشروبات الکلی باهم درگیر می‌شدند و به جنجال، آشوب و کتک‌کاری می‌پرداختند و نه تنها افراد درون قهوه‌خانه، حتی مردم محله و شهر را نیز آزار می‌دادند.

بعضی از قهوه‌خانه‌ها مرکزی جهت اشاعه فحشا و روسپیگری بوده هرچند زنان در قهوه‌خانه حضور نداشتند اما گاهی کارکنان قهوه‌خانه واسطه این نوع فحشا می‌شدند چنانچه در این مورد در خاطرات عین السلطنه اشاره شده که چگونه قهوه‌چی واسطه نقل و انتقال یک زن روسپی نزد صاحب منصبان درباری می‌شود. واقعه از این قرار است:

مظفرالممالک پسر میرزا سید احمد منشی باشی صدراعظم از علی جان قهوه‌چی نزدیک قهوه‌خانه منزلش جهت خوشگذرانی، روسپی مورد نظر را درخواست می‌کند. اما قهوه‌چی نتوانست او را به نزدش ببرد در نتیجه مظفرالممالک عصبانی می‌شود و با آدم‌هایش به قهوه‌خانه می‌رود در آنجا کار به نزاع و کتک کاری می‌کشد در این میان یک پلیس وافور کش برای پایان دادن به نزاع واسطه می‌شود اما مظفرالممالک به خیال اینکه او از قهوه‌چی حمایت می‌کند به او چند ضربه قمه می‌زند و آدم‌هایش نیز آنقدر او را با چماق می‌زنند که بر اثر ضربات چماق تلف می‌شود (عین السلطنه، ۱۳۷۴: ۱ / ۸۷۹).

این واقعه حکایت از این دارد که نه تنها قهوه‌خانه در مواردی محلی برای اشاعه فحشا و فساد شده است بلکه خود این قضیه سبب ایجاد درگیری افراد فاسد و شرور در قهوه‌خانه شده و امنیت را از محلات سلب می‌کرد.

در این زمینه ادوارد براون نیز در خصوص واکنش ناصرالدین شاه نسبت به فساد قهوه‌خانه‌ها می‌نویسد:

به امر ناصرالدین شاه بسیاری از قهوه‌خانه‌ها را بستند چون شاه عقیده دارد که وجود این‌گونه مکان‌ها مردم را به تبلی و ولخرجی تشویق و باعث فساد اخلاق جوانان

چالش‌های اجتماعی و اخلاقی ... (ابراهیم اصلانی ملایری و دیگران) ۴۱

کشور می‌شود بنابراین دستور بستن آن‌ها را داد ولی در خارج از تهران قهوه‌خانه‌ها به کار و کسب خود ادامه می‌دهند و به مسافرین چای و غذا می‌فروشند (براون، ۱۳۷۱: ۹۴).

براین اساس ناصرالدین شاه در تاریخ ۲۲ شعبان ۱۳۰۳ قمری دستخط (فرمان حکومتی) به عموم حکام ولایات صادر نمودند که مضمون آن بدین قرار است:

چون از وجود قهوه‌خانه‌ها و چای‌پز خانه‌ها بعضی مفسد واضح و آشکار ظاهر شد و عموم عقلای مملکت و حتی تجار و غیره ضرر های آن را ثابت نمودند و در تهران حکم محکم شد که تمام قهوه‌خانه‌ها را در غره رمضان ببندند و مسلماً ضرر این کار به مراتب بیشتر از نفع اوست و اسباب خرابی مملکت است لهذا به تمام ولایات حکم می‌شود که بدون غرض و عذر و اهمال در هر ولایت تمام قهوه‌خانه‌ها را ببندند و بعدها ابداً باز نکنند

این دستخط از جانب ناصرالدین برای عضد الدوله حاکم ولایت همدان فرستاده شد (آرشیو ملی ایران، ۱۱۶۴: ۶۸۹۹-۲۹۵؛ ۲۲ شعبان ۱۳۰۳: ۱-۲). عین همین فرمان نیز به قوام‌الدوله حاکم ولایت کرمانشاه فرستاده شد و خواسته شد که حتی به طور خفا در پستوی قهوه‌خانه‌ها نیز چای نفروشند (آرشیو ملی ایران، ۱۱۶۴: ۶۹۳۴-۲۹۵؛ ۱۰ ربیع الاول ۱۳۰۳: ۱). هم‌چنین این دستخط به ولایت کردستان (آرشیو ملی ایران، ۱۱۶۴: ۷۰۸۲-۲۹۵؛ ۱۱ ربیع الاول ۱۳۰۳: ۱) و ایالت نهاوند (آرشیو ملی ایران، ۱۱۶۴: ۷۱۳۴-۲۹۵؛ ۲۲ شعبان ۱۳۰۳: ۱) صادر شد. مفسد اخلاقی در قهوه‌خانه تاثیر نامطلوبی بر افرادی که در محیط پیرامون قهوه‌خانه سکونت داشتند، می‌گذاشت به همین دلیل افراد آن محل ناراضی بودند و غالباً از وضعیت چنین قهوه‌خانه‌هایی شکایت می‌کردند. در این خصوص می‌توان به شکایت مدرسه همایون اشاره کرد. آن‌ها به اداره نظمیة شکایت نمودند که در مقابل مدرسه، قهوه‌خانه‌ای است که به سبب هرزگی‌هایی که در آن صورت می‌گیرد سبب اغتشاش حواس شاگردان مدرسه شده لذا از نظمیة خواستند ضمانتی از قهوه‌چی دریافت کند که سراغ حرکات خلاف نرود (آرشیو ملی ایران، ۱۱۶۶: ۱۴۰۱-۲۹۷؛ ۱۸ شوال ۱۳۲۸: ۳). ظاهراً این قهوه‌خانه همانند مطرب خانه‌ها محلی برای انجام مفسد اخلاقی و آواز خوانی و دیگر امور هرزه بوده است و از این جهت تاثیر نامطلوبی بر معلمان و شاگردان می‌گذاشت. (همان: ۸). در قهوه‌خانه‌های دوره قاجار علاوه بر مفسد اخلاقی ساز و آواز و نمایش نیز برگزار می‌شد که بعد از مشروطه علاوه بر موضع‌گیری نسبت به مفسد اخلاقی در قهوه‌خانه‌ها به وجود ساز و آواز نیز اعتراض می‌شود. در این خصوص به اقدام اداره نظمیة در منع ساز و آواز اشاره می‌شود. اداره نظمیة تهران از اجرای ساز و آواز و ضرب و برگزاری نمایش‌های مخالف مذهب در قهوه‌خانه شخصی با نام

ابراهیم مسیحی جلوگیری نمود. (آرشیو ملی ایران، ۱۱۶۹: ۱۳۹۷-۱۳۶۰؛ ۱۳: ۱۳۳۱: ۱-۲). در این خصوص درجایی از کتاب وقایع اتفاقیه اشاره شده است که سربازی به خاطر نی زنی قهوه‌خانه‌ای مورد انتقاد شدید یک روحانی قرار می‌گیرد (سیر جانی، ۱۳۸۳: ۲۲۰-۲۲۱).

۳.۳ قمار بازی

در اسناد و سفر نامه‌ها اشاره شده که علاوه بر درگیری و نزاع و سرقت، افرادی به قمار بازی در قهوه‌خانه‌ها مشغول بودند. ادوارد براون و ریچارد رز از جمله جهانگردانی بودند که در دوره قاجار به ایران سفر کرده‌اند. آن‌ها اشاره دارند که در قهوه‌خانه‌ای واقع در شیراز بازی شطرنج و تخته نرد انجام می‌شد. هر دو نوشته‌اند در ابتدای ورود به شیراز قهوه‌خانه‌ای وجود داشت که در آنجا قمار و تخته بازی می‌شد. در واقع این قهوه‌خانه مخصوص قمار بازان است و حتی شکل و طرح آن نیز شبیه تخته نرد بود (براون، ۱۳۷۱: ۲۵۳؛ ریچاردز، ۱۳۴۳: ۱۵۳).

البته گاهی اوقات با قمار بازان در قهوه‌خانه برخوردهایی می‌شد. در نوشته‌های آمده، که علاءالدوله «حاکم تهران» به هنگام عبور از قهوه‌خانه، عده‌ای را مشغول قمار بازی می‌بیند، از اسب پیاده می‌شود و حدود ۱۷ نفر از افراد قمار باز قهوه‌خانه را دستگیر می‌کند (سعیدی سیرجانی، ۱۳۸۳: ۷۲۶). همچنین در سندی نوشته شده است به دلیل شکایت اهالی محله از قمار بازان و الواط قهوه‌خانه‌ای، نظمیته تهران دستور مجازات قمار بازان را صادر می‌کند. به عنوان مثال گزارش از محله دولت، پاتوق نایب حسن خیابان لاله زار به تاریخ ۳ ربیع الثانی ۱۳۲۷ رسیده بود مبنی بر اینکه شخصی به نام محمد علی قهوه‌چی در قهوه‌خانه لاله زار با آقا قاسم تاجر باشی تبعه روس همه روزه در قهوه‌خانه مشغول قمار بازی بوده و همیشه چند نفر الواط و اوباش در آن قهوه‌خانه بودند و هر چند نایب محله که مشهدی علی نام بود از آن‌ها خواسته که قمار بازی بازی نکنند. آن‌ها اعتنایی ننمودند. در نتیجه آن‌ها شکایت به نظمیته بردند و خواهان این شدند اشخاصی را که تحت عنوان تبعه روس اسباب اغتشاش را فراهم می‌نمایند و به قمار بازی در قهوه‌خانه مشغولند توقیف نمایند (آرشیو ملی ایران، ۱۱۶۹: ۱۳۲۷-۱۳۶۰؛ ۳ ربیع الثانی ۱۳۲۷: ۱-۲).

۴.۳ سرقت و نزاع در قهوه‌خانه

در قهوه‌خانه افراد مختلفی تجمع می‌کردند. همانطور که آن‌ها در مورد مسائل مختلف گفت‌وگو می‌کردند ممکن بود بر سر مسائلی نیز به نزاع و درگیری بپردازند. و حتی افراد شرور که به قهوه‌خانه آمد و شد داشتند از این محل چیزی سرقت می‌کردند. گاهی بین قهوه‌چی و مشتری بر سر دریافت وجه، نزاع در می‌گرفت و حتی گاه کار به شکایت کشیده می‌شد. در این خصوص اشاره شده است آقا قهوه‌چی و مشتری او میرزا غلامحسین هردو در محل بازارچه حاجی سقا باشی سکونت داشتند. میرزا غلامحسین هرروز به قهوه‌خانه رفت‌وآمد داشت و حدود بیست و هفت هزار شاهی بابت چای و تریاک بدهکار بود و حاضر نبود بدهی خود را بپردازد. این قضیه سبب شد حاجی قهوه‌چی از او به اداره عدلیه شکایت برد که در نهایت توانست طلب خود را وصول نماید. (آرشیو ملی ایران، ۱۱۶۸ : ۷۸۹۵۷-۲۹۸؛ ۱۳۲۸ : ۶-۹). دیگری در خصوص نزاع فتح الله قهوه‌چی به همراه چند نفر با شخصی به نام احسان میرزا محمد علی نام در محله پامنار می‌باشد. او به همراه نوکر و چند نفر دیگر دو ساعت از شب گذشته، در آستانه درب قهوه‌خانه‌ای، در حضور چند نفر که این‌ها بعدها در خصوص ماجرا شهادت داده‌اند احسان میرزا را به شدت کتک زده و هتک حرمت نمودند. پای چشم او را زخم کرده و در معاینه پزشکی اثر خراشیدگی ناخن در آن قابل رویت بود. زانوی او را چوب زده بودند که سبب کبودی و سرخی زانوی او شده بود. هم‌چنین پیراهن او را دریده بودند. ظاهراً احسان میرزا مبلغ یکصد تومان از فتح الله قهوه‌چی طلبکار بود و به قهوه‌خانه می‌رود تا طلب خود را وصول کند اما فتح الله قهوه‌چی به همراه شاگردانش او را از قهوه‌خانه بیرون می‌کشند و چند نفری بر سر او می‌ریزند و او را به شدت کتک می‌زنند. احسان میرزا به نظمیته رفته ماجرا را به همراه چند شاهد شرح می‌دهد و درخواست رسیدگی و احقاق حق می‌کند (آرشیو ملی ایران، ۱۱۶۶ : ۶۳۵۳۹-۲۹۸ : ۶ ذیحجه ۱۳۳۰ : ۵-۱۹). هم‌چنین علاوه بر درگیری و نزاع در قهوه‌خانه دزدی صورت می‌گرفت. در این خصوص گزارشی از یک سند موجود است که در آن نوشته شده شخصی با نام ابوالقاسم از قهوه‌خانه‌ای که مالک آن شخصی به نام آقا سید علی بود مقداری اسباب سرقت کرده بود. او در دایره تحقیق اداره نظمیته به عمل خود اقرار نمود. بنابراین امر به کمیسری داروغه ابلاغ شد عین اسباب را از اشخاصی که خریده‌اند گرفته و به آقا سید علی مسترد دارند و قبض رسید را دریافت نمایند (آرشیو ملی ایران، ۱۱۶۹ : ۲۱۳۸-۳۶۰؛ ۱۷ شوال ۱۳۳۰ : ۲). گاهی قهوه‌خانه محلی برای معامله اموال مسروقه بود. مورد قابل ذکر در این خصوص بدین شرح است:

علی اکبر خان فرزند هادی خان یک راس مادیان با یک کره قاطر که متعلق به سید علیخان بوده شبانه از طویله او سرقت نموده و به نزد سید مرتضی قهوه‌چی برده و فروخته است. سید علیخان به طور اتفاقی اموال دزدی را در جلوی قهوه‌خانه می‌بیند و به اداره نظمیّه گزارش می‌دهد. ماموران نظمیّه سید مرتضی را گرفته و از او بازجویی می‌کنند. او در اظهارات خود بیان می‌دارد که اموال را به هنگام سفر به دماوند از شخصی به نام علی اکبر خان گرفته است. اداره نظمیّه علی اکبر را به حضور می‌طلبد. او در اظهارات خود می‌گوید که چون به سید مرتضی قهوه‌چی بدهکار بودم او مرا تحت فشار قرار داد که تعدادی حیوان از خارج شهر بیاورد. به او گفتم حتی اگر مال دزدی باشد. او گفت فقط خارج از شهر باشد من نیز یک راس مادیان با کره قاطر را سرقت کردم و جلوی درب ورودی قهوه‌خانه نزد سید مرتضی بردم. او بعد از اینکه طلب خود را برداشت باقیمانده پول نیز به من داد. به نظر می‌رسد براساس گزارش این سند قهوه‌چی به همراه مشتری خود در سرقت همکاری نموده و محل معامله نیز قهوه‌خانه بوده است (آرشیو ملی ایران، ۱۱۶۹ : ۸۸۱۲۸-۲۹۸؛ ۱۲ جوزا ۱۳۰۲: ۳-۲۸ گاهی اوقات در قهوه‌خانه بین دو طایفه درگیری و نزاع رخ می‌داد که معمولاً در این زد و خورد عده‌ای زخمی می‌شدند) سعیدی سیر جانی، ۱۳۸۳ : ۱۹۴).

علاوه بر سرقت و نزاع در قهوه‌خانه گاهی بر اثر درگیری قتل نیز صورت می‌گرفت. خصوصاً در وقایع دوره مشروطه که میزان درگیری و کشتار بالا می‌رفت، درگیری و قتل و کشتار به قهوه‌خانه‌ها نیز سرایت می‌کرد، به عنوان مثال در وقایع دوره مشروطه ناصر خان پسر غیاث نظام، ابراهیم خان یاور با چهار نفر دیگر که در یوز باشی، چای ایل بودند به قهوه‌خانه می‌روند پانزده نفر از قشون ملی شب به سر آن‌ها می‌ریزند، ناصرخان، ابراهیم خان و سه نفر را کشته و نفر چهارم را نیز به منجیل برده فردای آن روز سر می‌برند. (عین السلطنه، ۱۳۷۴ : ۲۳۶۰/۳)

گاهی نیز وجود ابزار و آلات قتاله سبب وقوع قتل در قهوه‌خانه‌ای می‌شد چنانچه در روزنامه خورشید به یک مورد قتل در قهوه‌خانه‌ای اشاره شده است:

قضیه از این قرار است که شخصی به نام محمد حسین دست فروش سبزواری در حالی که ششلولی به دست داشت به قهوه‌خانه قنبر سبزواری می‌رود، قنبر نیز ششلول را از او گرفته، تحت عنوان اینکه می‌خواهد آن را ببیند، بردل او به عمد یا خطا خالی می‌کند و محمد حسین بعد از ساعتی می‌میرد. (خورشید، ۵ صفر ۱۳۲۵ : ۵).

با توجه به نوشته‌های ذکر شده، به نظر می‌رسد علاوه بر بحران‌های سیاسی، گاهی در دسترس بودن سلاح نیز منجر به وقوع جنایت و نا امنی در مکان‌های عمومی نظیر قهوه‌خانه می‌شد.

۴. عدم رعایت نظافت و بهداشت در قهوه‌خانه‌ها

در دوره قاجار فقر عمومی، قحطی‌های پی در پی و نبود امکانات بهداشتی موجب شیوع بیماری‌های واگیردار در کشور می‌شد. با توجه به اینکه قهوه‌خانه محل اجتماع افراد گوناگون بود. ورود افراد مبتلا و ارتباط آنان با دیگران سبب انتقال بیماری می‌شد. از طرفی خود قهوه‌خانه‌ها نیز معمولاً مسائل بهداشتی را در مورد خوردنی‌ها و نوشیدنی‌ها رعایت نمی‌کردند و مشتریان به این طریق به بیماری‌ها مبتلا می‌شدند. نوشته‌های جهانگردان ایرانی و خارجی، خاطرات و روزنامه‌های داخلی کشور در مورد عدم رعایت مسائل بهداشتی در قهوه‌خانه‌ها این نکته را به خوبی تایید می‌کند. که عدم رعایت مسائل بهداشتی سبب شوع بیماری‌ها در کشور شده است.

در روزنامه خورشید در مورد پیامد عدم رعایت بهداشت و گرمی‌هوا و گسترش بیماری‌های عفونی در قهوه‌خانه‌های خراسان مطالبی نوشته شده است.

اهالی قوچان و شیروان به مدیر روزنامه خورشید که از اعضای انجمن ایالتی خراسان بود؛ نامه‌ای نوشتند و از او درخواست کردند که اعضای انجمن یا ارکان دولت مشکلات این منطقه را حل و فصل کنند. یکی از مشکلات آن‌ها این بود که به خاطر گرمی هوا بیماری‌های فصلی و عفونی در شهر شایع شده و ظاهراً تجمع افراد معتاد و شیرهای در قهوه‌خانه‌ها شرایط را برای گسترش بیشتر بیماری‌های عفونی فراهم آورده به همین دلیل جهت رفع بیماری خواهان اعزام پزشک به این مناطق شدند (روزنامه خورشید، ۲۸ محرم ۱۳۲۵: ۸).

در سفرنامه‌ها و خاطرات مکرراً اشاره شده که قهوه‌خانه‌های بین راهی مسائل بهداشتی را رعایت نمی‌کردند. عین السلطنه در این مورد می‌نویسد:

قهوه‌خانه‌های عمومی همان نیمکت سابق است که روی آن یک وجب چربی و چرک و کثافت بسته شده، داد و بیداد چای بیار پای درخت بید و یا نیمکت سوم همان شکل بلند است. استاد قهوه‌چی همانطور لنگ چرک بسته و ظرف شست و شوی فنجان و آب مضاف آن کمافی السابق است (عین السلطنه، ۱۳۷۴: ۶ / ۴۸۰۴).

عین السلطنه در جای دیگر می‌نویسد: "قهوه‌چی اتاق‌های کثیف با گلیم‌هایی مملو از شپش در اختیار ماقرار داد" (همان: ۴/ ۲۹۷۳). عین السلطنه همچنین اشاه می‌کند: "که در یکی از قهوه‌خانه‌های رشت درخواست چای می‌کند شاگرد قهوه‌چی سینی چایی می‌آورد که رنگ چایی مانند زعفران زرد بود در حالیکه استکان پراز قند و چای بر روی نعلبکی جاری بود" (همان: ۱۰/ ۷۷۳). ویلیامز جکسن از دیگر جهانگردان عصر قاجار نیز به یکی از قهوه‌خانه‌ای بین راهی اشاره کرده که در آن قهوه‌خانه ظرف‌های چای بسیار کثیف بودند. (جکسن، ۱۳۵۲: ۵۲). به طور کلی وجود شپش، کیک، پشه و ساس جزء اثاثیه و اساس قهوه‌خانه‌های بین‌راهی بود که مکرراً مسافران در راه مانده که قصد استراحت در این مکان را داشتند از آن شکایت داشتند و حتی بعضی از مسافران ترجیح می‌دادند که سرمای بیرون از قهوه‌خانه را تحمل نموده و بیرون از آن استراحت نمایند ولی خود را گرفتار حشرات موذی آن ننمایند (مجد الاسلام کرمان، بی تا: ۱۱۰). از روی نوشته‌ها اینطور برداشت می‌شود که محیط قهوه‌خانه کثیف بوده، و قهوه‌خانه‌ها به طور کلی به مسائل بهداشتی توجه چندانی نداشتند قهوه‌خانه‌های بین راهی در مقایسه با قهوه‌خانه‌های شهری و روستایی کمترین توجه را به مسائل بهداشتی داشتند، بنابراین این قهوه‌خانه‌ها بیشتر از بقیه مراکز، سلامت عمومی مردم را به خطر می‌انداختند.

۵. بی‌اعتباری قهوه‌خانه‌ها در اواخر عصر قاجار

تاثیرات منفی قهوه‌خانه‌ها بر افراد جامعه سبب واکنش‌هایی علیه آن گردید. طوریکه که بسیاری از جمله جراید، تجار، طلبه‌ها و روسای اصناف خواهان تعطیلی همیشگی قهوه‌خانه‌ها گردیدند. در این مورد در روزنامه‌ها مطالب زیادی آمده است. در روزنامه خورشید بارها از جانب اهالی قوچان، سرخس، سبزوار و شهرهای دیگر خراسان به انجمن معدلت خراسان شکایت کرده، خواهان تعطیلی کامل قهوه‌خانه‌ها بودند. در خصوص درخواست اهالی قوچان در تعطیلی قهوه‌خانه‌ها در روزنامه خورشید چنین آمده است: "اهالی قوچان در انجمن معدلت خراسان شکایت کردند که قهوه‌خانه را در بازار موقوف کرده‌اید ولی در خانه‌ها دایر گردیده است. آن‌ها خواهان رسیدگی به این مسئله شدند". (خورشید، ۱۴ جمادی الثانی ۱۳۲۵: ۲). همچنین در جای دیگری از روزنامه خورشید در خصوص خواسته اهالی سرخس در خصوص تعطیلی قهوه‌خانه‌ها نوشته شده: "اعضاء انجمن سرخس به ایالت کبری (خراسان) شکایتی نوشته و خواستار بسته شدن قهوه‌خانه‌های سرخس شده‌اند" (خورشید، ۱۴ جمادی الاول ۱۳۲۵: ۳).

ظاهراً شکایت مکرر مردم و روزنامه نگاران و طلبه و کسبه اداره نظمی را نیز به جنبش درآورده و این اداره اعلانی در خصوص منع فروش علنی مسکرات و قمار در قهوه‌خانه‌ها صادر کرده و به اداره محاکمات وزارت خارجه ارسال نموده و به سفارت خانه‌ها نیز تاکید کرده به اتباع خود اعلام نمایند. (آرشیو ملی ایران، ۱۱۶۹ : ۲۱۳۲-۳۶۰)؛ ۶ صفر ۱۳۳۲ : ۲). نارضایتی عمومی نسبت به بقای قهوه‌خانه‌ها خصوصاً در دوره مشروطیت نشان از این دارد که مردم منشا نابهنجاری‌ها، ناامنی و شرارت الواط را از بستراین مکان می‌دانستند که خواستار تعطیلی آن بودند.

۶. نتیجه‌گیری

دردوره‌های مختلف اماکن عمومی برای نیازهای مختلف بشر بنا گردیده است. قهوه‌خانه نیز از جمله مکان عمومی بود که در دوره صفویه بنا گردید و افراد مختلفی در آن آمد و شد داشتند که وجود این افراد بر حسب نوع خلیقات آن‌ها تاثیر گذاری‌های سازنده و غیر سازنده‌ای بر روند تعلیم و تربیت و حتی خلیقات جامعه داشت. این مکان به دلیل حضور افراد فرهیخته نظیر شعرا، نقالان، شاهنامه خوانان و غیره تاثیر مطلوبی بر فضای فرهنگی جامعه داشته است اما متأسفانه فضای منفی حاکم بر جامعه نظیر اعتیاد، فساد اخلاقی، شرارت و ناامنی قهوه‌خانه‌ها را نیز از این ضایعه بی‌نصیب نگذاشت و حتی خود مروج و مشوق این امور منفی و نامطلوب در جامعه گردید. وجود عوامل مختلفی نظیر اعتیاد، فساد اخلاقی، قمار، عدم رعایت بهداشت، تجمع بیکاره‌ها از جمله اثرات منفی قهوه‌خانه‌ها بود، هرچند وجود عواملی نظیر اعتیاد و ناامنی در بطن جامعه وجود داشته است و عوامل مختلفی در بروز این دو پدیده در جامعه نقش داشتند اما متأسفانه قهوه‌خانه‌ها در تشدید و تقویت فرهنگ اعتیاد بیشتر دخیل بودند و از این جهت ضربه بزرگی بر سلامت روان و جسم مردم وارد آوردند. قهوه‌خانه‌ها غالباً مامن مفسدین اخلاقی و اشرار بودند که این مسئله در جهت‌گیری اخلاقی مردم تاثیر نامطلوبی داشت. در هر صورت وجود عوامل نامطلوب در قهوه‌خانه‌ها سرانجام موجی از نارضایتی عمومی را در برمی‌گیرد و نهایتاً کارایی خود را از دست می‌دهد. این مکان که زمانی افراد فرهیخته را به خود جذب می‌کرد کم‌کم شکوه و اعتبار گذشته خود را از دست داد و به محلی برای تجمع افراد بیکاره، معتاد و شرور تبدیل شد.

کتابنامه

- آرشیو ملی ایران، ۱۱۶۲: ۲۴۰/۱۱۱۰
- آرشیو ملی ایران، ۱۱۶۳: ۲۴۰/۲۵۰۳۷
- آرشیو ملی ایران، ۱۱۶۳: ۲۴۰/۲۶۳۵۱
- آرشیو ملی ایران، ۱۱۶۴: ۲۹۳/۵۱۷۷
- آرشیو ملی ایران، ۱۱۶۴: ۲۹۵/۶۸۹۹
- آرشیو ملی ایران، ۱۱۶۴: ۲۹۵/۶۹۳۴
- آرشیو ملی ایران، ۱۱۶۴: ۲۹۵/۷۰۸۲
- آرشیو ملی ایران، ۱۱۶۴: ۲۹۵/۷۱۳۴
- آرشیو ملی ایران، ۱۱۶۴: ۲۹۵/۷۲۴۰
- آرشیو ملی ایران، ۱۱۶۶: ۲۹۷/۱۴۰۱
- آرشیو ملی ایران، ۱۱۶۶: 298/۶۳۵۳۹
- آرشیو ملی ایران، ۱۱۶۸: ۲۹۸/۷۸۹۵۸
- آرشیو ملی ایران، ۱۱۶۹: 298/۸۸۱۲۸
- آرشیو ملی ایران، ۱۱۶۹: ۳۶۰/۱۳۹۷
- آرشیو ملی ایران، ۱۱۶۹: ۳۶۰/۲۱۳۲
- آرشیو ملی ایران، ۱۱۶۹: ۳۶۰/۲۱۳۸
- آرشیو ملی ایران، ۱۱۶۹: ۳۶۰/۸۵۵۵
- روزنامه انجمن اصفهان، آقا سراج الدین صدرالموسوی، شماره ۲۶، سال سوم، جمعه ۱۲ ذیقعده ۱۳۲۷
- خورشید، محمد صادق تبریزی، شماره ۲، ۲۸ محرم ۱۳۲۵
- خورشید، محمد صادق تبریزی، شماره ۳، سال اول، ۵ صفر ۱۳۲۵
- خورشید، محمد صادق تبریزی، شماره ۱۱، سال اول، ۶ ربیع الثاني ۱۳۲۵
- خورشید، محمد صادق تبریزی، شماره ۱۲، سال اول، ۱۴ ربیع الثاني ۱۳۲۵
- خورشید، محمد صادق تبریزی، شماره ۱۳، سال اول، ۲۳ ربیع الثاني ۱۳۲۵
- خورشید، محمد صادق تبریزی، شماره ۱۶، سال اول، ۱۴ جمادی الاول ۱۳۲۵
- خورشید، محمد صادق تبریزی، شماره ۲۵، سال اول، ۱۴ جمادی الثاني ۱۳۲۵
- روح القدس، سلطان العلمای خراسانی، شماره ۲۶، سه شنبه ۱۸ ربیع الثاني ۱۳۲۶
- نسیم شمال، اشرف الدین حسینی، شماره ۸، جمعه ۲۱ شعبان ۱۳۳۴.

چالش‌های اجتماعی و اخلاقی ... (ابراهیم اصلانی ملایری و دیگران) ۴۹

- افشار، ایرج؛ دفتر تاریخ مجموعه اسناد و منابع تاریخی؛ ج دوم، محقق / مصحح ایرج افشار، تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار، ۱۳۸۰
- ادوارد بیت، چارلز؛ خراسان و سیستان، سفرنامه کلنل بیت به ایران و افغانستان؛ قدرت الله روشنی و مهرداد رهبری، تهران: انتشارات یزدان، ۱۳۶۵.
- اولیویه، گیوم آنتوان؛ سفرنامه اولیویه: تاریخ اجتماعی - اقتصادی ایران در آغازین عصر قاجار؛ ترجمه محمد طاهر میرزا، محقق / مصحح غلامرضا ورهرام، تهران: انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۱
- براون، ادوارد؛ یکسال در میان ایرانیان: مطالعاتی در خصوص وضع زندگی و اخلاق و روحیات ایرانیان؛ ترجمه: ذبیح الله منصوری، تهران: انتشارات صفار، ۱۳۷۱
- بنجامین، ساموئل گرین ویلر؛ ایران و ایرانیان: خاطرات و سفرنامه بنجامین؛ به اهتمام رحیم رضازاده ملک، تهران: نشر گلبانگ، ۱۳۶۳
- جکسن، ابراهیم و. ویلیامز جکسن؛ سفرنامه جکسن "ایران در گذشته و حال"؛ ترجمه منوچهر امیری و فریدون بدره‌ای، تهران: شرکت سهامی انتشارات خوارزمی، ۱۳۵۲
- جورابچی، محمد تقی؛ حرفی از هزاران که اندر عبارت آمد، خاطرات حاج محمد تقی جورابچی؛ محقق / مصحح علی قیصری، تهران: نشر تاریخ ایران، ۱۳۸۶.
- حسن بیگی، م؛ تهران قدیم؛ تهران: نشر منصوری، ۱۳۷۷، چاپ چهارم.
- دالمانی، هانری رونه؛ سفرنامه از خراسان تا بختیاری؛ محمد علی فره‌وشی، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۳۵.
- دروویل، گاسپار، سفر در ایران، ترجمه‌ی منوچهر اعتماد مقدم، تهران: شب‌ویز، ۱۳۶۷.
- روزن، کتس مادفون؛ سفری به دور ایران؛ علی محمد عبادی، تهران: شرکت انتشاراتی پازنگ، ۱۳۶۹
- ریچاردز، چارلز فردریک؛ سفرنامه فرد ریچاردز؛ ترجمه مهین دخت صبا، تهران: نشر کتاب، ۱۳۴۳
- سپهر، عبدالحسین خان؛ مرآت الوقایع مظفری؛ ج ۱، محقق / مصحح عبدالحسین نوایی، تهران: میراث مکتوب، ۱۳۸۶
- سعیدی سیرجانی؛ وقایع اتفاقیه؛ محقق / مصحح سعیدی سیرجانی، تهران، نشر آسیم، ۱۳۸۳، چاپ چهارم.
- سیفی فمی تفرشی، مرتضی؛ پلیس خفیه ایران؛ تهران، انتشارات ققنوس، ۱۳۶۷
- شاردن، ژان؛ سفرنامه شاردن؛ ج ۲، ۴، اقبال یغمایی، تهران، انتشارات توس، ۱۳۷۲
- شاکری، عبدالحسین؛ مواد مخدر و اعتیاد؛ تهران، انتشارات گوتنبرگ، ۱۳۶۸
- شهری (شهری باف)، جعفر؛ تاریخ اجتماعی تهران در قرن سیزدهم "زندگی و کسب و کار"؛ جلد ۴، تهران: انتشارات موسسه خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۶۸
- عین السلطنه، قهرمان میرزا سالور؛ روزنامه خاطرات عین السلطنه؛ ج ۱، ۳، ۴، ۶، ۸، ۱۰، محقق / مصحح: مسعود سالور و ایرج افشار، تهران: نشر اساطیر، ۱۳۷۴

۵۰ تحقیقات تاریخ اقتصادی ایران، سال ۱۲، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۴۰۲

فراهانی، حسن؛ روزشمار تاریخ معاصر ایران؛ ج ۲، تهران: انتشارات موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی،
۱۳۸۵

کلود، انه؛ وراق ایران‌نرخاطرات سفرکلود آنه در آغاز مشروطیت؛ ترجمه ایرج پروشاتی، تهران: انتشارات معین،
۱۳۶۸

مجدالاسلام کرمانی، احمد؛ سفرنامه کلات؛ محقق / مصحح: محمد خلیل پور، اصفهان: انتشارات دانشگاه
اصفهان، بی‌تا، چاپ دوم.

نجمی، ناصر؛ تهران قدیم؛ تهران: انتشارات جانزاده، ۱۳۷۵، چاپ پنجم

نجمی، ناصر؛ تهران عهد ناصری؛ تهران: انتشارات عطار، ۱۳۶۴

ویشارد، جان؛ بیست سال در ایران؛ علی پیر نیا، تهران: موسسه انتشارات نوین، ۱۳۶۳

ویلس، چارلز جیمز؛ تاریخ اجتماعی ایران در عهد قاجاریه؛ سید عبدالله، به کوشش جمشید دودانگه،
مهرداد نیکنام، تهران، انتشارات زرین، ۱۳۶۳